

۱۰۵۵۲
۱۳۸۸

آزادی بیان

و

جرائم تحریک در حقوق بین الملل

www.ketab.ir

دکتر باقر انصاری

دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

سیده مهلا امامی الطریقی



انصاری، باقر، ۱۳۵۳.
آزادی بیان و جرایم تحریک در حقوق بین‌الملل / مؤلف: دکتر باقر انصاری و
سیده مهلا امامی الطریقی.

تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۴۰۰.
۲۶۶ ص.

ISBN 978-964-325-619-7

فیبا
کتابنامه: ص. [۲۵۷] - ۲۶۴.
آزادی بیان -- قوانین و مقررات
Freedom of expression -- Law and legislation
تحریک (حقوق جزا) / Provocation (Criminal law)
امامی الطریقی، سیده مهلا، ۱۳۷۰.
ک۳۲۵۳
۳۴۲/۰۸۵۳
۸۶۵۵۲۶

سرشناسه،
عنوان و نام پدیدآورگان،
مشخصات نشر،
مشخصات ظاهری،
شابک،
وضعیت فهرست‌نویسی،
یادداشت،
موضوع،
موضوع،
موضوع،
شناسه افزوده،
رده‌بندی کنگره،
رده‌بندی دیویی،
شماره کتاب‌شناسی ملی،

آزادی بیان

و

جرایم تحریک در حقوق بین‌الملل

تألیف: دکتر باقر انصاری و سیده مهلا امامی الطریقی

ناشر: شرکت سهامی انتشار

چاپ اول: ۱۴۰۰

چاپ ترمه: ۲۰۰ نسخه

۱۰۰۰۰۰ تومان



شرکت سهامی انتشار

دفتر مرکزی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نرسیده به میدان بهارستان، جنب خیابان ملت، شماره ۹۲

کدپستی: ۱۱۴۳۹۶۵۱۱۸ | تلفن: ۳۳۹۰۴۵۹۲ | دورنگار: ۳۳۹۷۸۸۶۸

آدرس تلگرام و اینستاگرام: @entesharco

WWW.ENTESHARCO.COM Email: info@entesharco.com

فروشگاه شماره ۱: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، نبش خیابان ملت، شماره ۹۲، تلفن: ۳۳۱۱۴۰۴۴

فروشگاه شماره ۲: تهران، میدان انقلاب، بازارچه کتاب، تلفن: ۶۶۴۱۳۶۸۴ | دورنگار: ۶۶۹۶۷۱۰۴

فهرست مطالب

۱۱	 مقدمه
۱۹	 فصل نخست: حمایت از آزادی بیان در حقوق بین‌الملل
۲۱	 گفتار اول: مفهوم آزادی بیان و مبانی آن
۲۳	 بند اول: مؤلفه‌های آزادی بیان
۲۴	 الف) آزادی اندیشه و نظر
۲۴	 ب) آزادی ابراز نظر و حق سکوت
۲۵	 پ) آزادی در خصوص موضوع بیان
۲۶	 ت) آزادی انتخاب زبان
۲۶	 ث) آزادی اشاعه بیان‌ها
۲۶	 ج) آزادی انتخاب وسیله بیان
۲۷	 چ) آزادی جستجو و دریافت بیان
۲۸	 بند دوم: تعهدات ناشی از آزادی بیان
۲۸	 الف) تعهدات سلبی
۲۹	 ب) تعهدات ایجابی
۲۹	 پ) تعهد به مدارا
۳۰	 بند سوم: مبانی آزادی بیان
۳۰	 الف) بعد فردی آزادی بیان
۳۱	 ب) بعد اجتماعی آزادی بیان
۳۴	 بند چهارم: اهمیت خاص آزادی بیان در رسانه‌ها
۳۶	 الف) آزاد بودن رسانه‌ها

- ۳۷ (ب) مستقل بودن رسانه‌ها
- ۳۸ (پ) تکثر رسانه‌ها و تنوع اطلاعات
- ۴۱ (ت) امنیت رسانه‌ها
- ۴۴ **گفتار دوم: حدود آزادی بیان و چالش‌های مرتبط**
- ۴۵ **بند اول: نحوه تحدید آزادی بیان**
- ۴۷ (الف) قانونی بودن
- ۴۸ (ب) وجود اهداف مشروع برای تحدید بیان
- ۴۹ ۱. احترام به حقوق و حیثیت دیگران
- ۴۹ ۲. حمایت از امنیت ملی
- ۵۰ ۳. حمایت از نظم عمومی
- ۵۱ ۴. حفظ سلامت عمومی
- ۵۱ ۵. حمایت از اخلاق عمومی
- ۵۲ (پ) معیار ضرورت و تناسب
- ۵۴ **بند دوم: چالش‌های آزادی بیان و جرایم تحریک**
- ۵۴ (الف) شمول آزادی بیان بر «بیان» و نه بر «فعل»
- ۵۶ (ب) اصل عدم تبعیض و منع بیان‌های تحریک آمیز
- ۵۷ (پ) آزادی بیان‌های مذهبی و جرایم تحریک
- ۵۸ (ت) آزادی انجمن‌ها و اجتماعات و جرایم تحریک
- ۵۹ (ث) حریم خصوصی و جرایم تحریک
- ۶۱ **فصل دوم: آزادی بیان و ممنوعیت تحریک به نسل‌کشی**
- ۶۳ **گفتار اول: مبانی ممنوعیت نسل‌کشی و تحریک به نسل‌کشی**
- ۶۳ **بند اول: موازین بین‌المللی ناظر بر ممنوعیت نسل‌کشی**
- ۶۳ (الف) رویه دادگاه نظامی نورنبرگ
- ۶۴ (ب) کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل‌کشی
- ۶۶ (پ) اساسنامه دادگاه‌های موردی رواندا و یوگسلاوی
- ۶۶ (ت) اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری
- ۶۷ **بند دوم: موازین بین‌المللی ناظر بر ممنوعیت تحریک به نسل‌کشی**
- ۶۸ (الف) رویه دادگاه نظامی نورنبرگ
- ۶۸ (ب) کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل‌کشی
- ۶۸ ۱. فرایند تدوین و تصویب ماده ۳

۶۹	۲. حق شرط دولت‌ها و اعلامیه‌های تفسیری ناظر بر ماده ۳
۷۰	پ) اساسنامه دادگاه‌های موردی رواندا و یوگسلاوی
۷۰	ت) اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری (اساسنامه رم)
۷۱	گفتار دوم: شرایط تحقق تحریک به نسل‌کشی
۷۱	بند اول: عناصر جرم تحریک به نسل‌کشی
۷۲	الف) عناصر مادی جرم
۷۲	۱. تحریک
۷۳	۲. مستقیم‌بودن تحریک
۷۵	۳. عمومی‌بودن
۷۶	ب) عنصر معنوی جرم
۷۶	۱. قصد
۷۷	۲. راه‌های اثبات قصد در روبه محاکم بین‌المللی
۸۰	بند دوم: معیارهای اثبات تحریک به نسل‌کشی
۸۰	الف) رابطه سببیت (پیوند زمانی، نتایج احتمالی)
۸۰	۱. دادگاه نورنبرگ: عدم استناد به رابطه سببیت میان بیان و نسل‌کشی
۸۱	۲. دادگاه رواندا در پرونده آکایسو و شعبه بدوی ناهیماننا: استناد به سببیت
۸۳	۳. پرونده بی‌کیندی و شعبه تجدیدنظر ناهیماننا: استناد به پیوند زمانی
۸۴	۴. سببیت در دکترین
۸۴	ب) بستر بیان
۸۷	پ) محتوای بیان
۸۷	۱. تکنیک مادون انسان‌نامیدن گروه هدف
۸۸	۲. تکنیک اتهام در آینده
۸۹	۳. انسانی جلوه‌دادن جنایات
۸۹	ت) تکرار
۹۰	ث) گوینده و مخاطب
۹۰	۱. جایگاه و تأثیرگذاری گوینده
۹۱	۲. تأثیرپذیری مخاطب
۹۱	گفتار سوم: چالش‌های ناشی از ممنوعیت تحریک به نسل‌کشی
۹۱	بند اول: نقش رسانه‌ها در تحریک به نسل‌کشی در رواندا
۹۲	الف) رسانه‌های تأثیرگذار در نسل‌کشی رواندا
۹۲	۱. مجله کانگورا
۹۴	۲. رادیو رواندا

- ب) عملکرد دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا در مورد رادیو آزاد ۹۹
۱. شعبه بدوی دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا ۹۹
۲. شعبه تجدیدنظر دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا ۱۰۰
- بند دوم: تحریک به نسل‌کشی در کنوانسیون ۱۹۴۸ و در اساسنامه رم: جرم ناتمام یا مشارکت در جرم** ۱۰۱
- الف) تفاوت کنوانسیون منع نسل‌کشی و اساسنامه‌های دیوان‌های مودی و اساسنامه رم در مورد تحریک به نسل‌کشی و آثار آن ۱۰۱
۱. تحریک عمومی و مستقیم به نسل‌کشی در قالب «عمل قابل مجازات» و آثار آن .. ۱۰۱
۲. تحریک عمومی و مستقیم به نسل‌کشی در قالب «مسئولیت کیفری فردی» و آثار آن ۱۰۴
- ب) نظرات مفسران در مورد تحریک به نسل‌کشی در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری ۱۰۶
۱. تفسیر تحریک به نسل‌کشی در اساسنامه رم به عنوان جرم مجزا ۱۰۶
۲. تفسیر تحریک به نسل‌کشی در اساسنامه رم به عنوان یکی از اشکال مشارکت ۱۰۸
- فصل سوم: آزادی بیان و ممنوعیت تحریک به تبعیض نژادی** ۱۰۹
- گفتار اول: مبانی ممنوعیت تحریک به تبعیض نژادی** ۱۱۱
- بند اول: موازین بین‌المللی ناظر بر ممنوعیت تبعیض نژادی** ۱۱۱
- الف) موازین جهانی منع تبعیض نژادی ۱۱۲
- ب) موازین منطقه‌ای منع تبعیض نژادی ۱۱۳
۱. موازین آمریکایی ۱۱۳
۲. موازین اروپایی ۱۱۴
- بند دوم: موازین بین‌المللی ناظر بر ممنوعیت تحریک به تبعیض نژادی** ۱۲۵
- الف) منع تحریک به تبعیض نژادی در موازین بین‌المللی ۱۱۵
۱. منع تحریک به تبعیض نژادی در کنوانسیون بین‌المللی رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی ۱۱۵
۲. فرایند تصویب کنوانسیون منع تبعیض نژادی ۱۱۶
۳. حق شرط دولت‌ها و اعلامیه‌های تفسیری ناظر بر ماده ۴ ۱۱۸
- ب) منع تحریک به تبعیض نژادی در موازین منطقه‌ای ۱۱۹
۱. موازین آمریکایی ۱۱۹
۲. موازین اروپایی ۱۲۰
- گفتار دوم: شرایط تحقق تحریک به تبعیض نژادی** ۱۲۲
- بند اول: معیارهای مختص تحریک به تبعیض نژادی** ۱۲۳
- الف) قصد گوینده ۱۲۳

ب) رابطه سببیت (خطر قریب الوقوع، احتمال وقوع نتیجه)	۱۲۵
بند دوم: معیارهای مشترک اشاعه ایده‌های نژادی و تحریک به تبعیض نژادی ...	۱۲۶
الف) محتوای بیان	۱۲۶
ب) بستر بیان	۱۲۹
پ) گوینده بیان	۱۳۱
ت) دامنه بیان	۱۳۳
ث) اهداف بیان	۱۳۵
گفتار سوم: چالش‌های ناشی از منع تحریک به تنفر و تبعیض نژادی	۱۳۶
بند اول: تحول مفهومی نژاد و رویکرد کمیته منع تبعیض	۱۳۶
الف) مفهوم نژاد و تحول آن و اشکال نوین نژادپرستی	۱۳۷
۱. مفهوم زیست‌شناختی و جغرافیایی نژاد	۱۳۷
۲. مفهوم اجتماعی نژاد	۱۴۰
ب) گروه‌های تحت حمایت برابر بیان‌های نژادپرستانه و رویکرد کمیته	۱۴۲
۱. رویکرد تقاطعی (تبعیض‌های متقاطع)	۱۴۲
۲. تصریح به گروه‌های مورد حمایت	۱۴۵
بند دوم: جرم‌انگاری اشاعه ایده‌های مبتنی بر تنفر یا برتری نژادی	۱۴۷
الف) مسأله ممنوعیت اشاعه و آزادی بیان	۱۴۷
۱. رویکرد کمیته در توصیه‌های کلی	۱۴۸
۲. رویکرد کمیته در پرونده‌ها	۱۴۹
ب) مسائل ناشی از جرم‌انگاری بیان	۱۵۱

فصل چهارم: آزادی بیان و ممنوعیت تحریک به تروریسم	۱۵۷
گفتار اول: مبانی ممنوعیت تروریسم و تحریک به تروریسم	۱۵۹
بند اول: موازین بین‌المللی ناظر بر ممنوعیت تروریسم	۱۵۹
الف) موازین بین‌المللی؛ نبود تعریف واحد از تروریسم	۱۶۰
۱. اقدامات مجمع عمومی	۱۶۰
۲. اقدامات شورای امنیت ملل متحد	۱۶۲
ب) موازین اروپایی	۱۶۳
۱. اقدامات شورای اروپا	۱۶۳
۲. اقدامات اتحادیه اروپا	۱۶۴

- بند دوم: موازین بین‌المللی ناظر بر ممنوعیت تحریک به تروریسم ۱۶۵
- الف) موازین بین‌المللی: قطعنامه ۱۶۲۴ شورای امنیت ۱۶۵
- ب) موازین اروپایی ۱۶۸
۱. کنوانسیون پیش‌گیری از تروریسم ۱۶۸
 ۲. اصلاحیه سال ۲۰۰۸ راجع به تصمیم الزام‌آور ۲۰۰۲ شورای اروپا ۱۷۰
 ۳. دستورالعمل اتحادیه اروپا در مبارزه با تروریسم مصوب ۲۰۱۷ ۱۷۱
- گفتار دوم: شرایط تحقق تحریک به تروریسم ۱۷۲
- بند اول: عناصر تحریک به تروریسم ۱۷۳
- الف) عناصر مشترک تحریک به تروریسم ۱۷۳
۱. عنصر مادی: تحریک به عمل یا جرم تروریستی ۱۷۳
 ۲. عنصر معنوی: قصد ۱۷۵
 ۳. رابطه سببیت (وجود خطر، احتمال وقوع) ۱۷۸
- ب) عناصر مورد اختلاف جرم تحریک به تروریسم ۱۸۱
۱. عمومی بودن دوایند اروپایی ۱۸۱
 ۲. مستقیم بودن در گزارش غیرکل ۱۸۲
- بند دوم: معیارهای مورد توجه در اثبات تحقق تحریک به تروریسم ۱۸۵
- الف) بستر بیان ۱۸۵
- ب) محتوای بیان ۱۸۹
- پ) گوینده ۱۹۱
- گفتار سوم: افراطی‌گری و تروریسم؛ چالش‌های آزادی بیان ۱۹۲
- بند اول: افراطی‌گری، تروریسم مدرن و تحریک به تروریسم ۱۹۳
- الف) مفهوم افراطی‌گری خشونت‌آمیز و چارچوب حقوقی مبارزه با آن ۱۹۳
۱. مفهوم افراطی‌گری خشونت‌آمیز ۱۹۳
 ۲. چارچوب حقوقی مبارزه با افراطی‌گری خشونت‌آمیز ۱۹۴
- ب) افراطی‌گری خشونت‌آمیز و ارتباط آن با تروریسم مدرن ۱۹۷
۱. تروریسم مدرن مبتنی بر افراطی‌گری ۱۹۷
 ۲. اهمیت تحریک در تروریسم مدرن ۱۹۷
- پ) جایگاه تحریک به تروریسم در فرایند افراطی‌شدن و عوامل مؤثر بر افراطی‌شدن ۱۹۸
۱. جایگاه تحریک به تروریسم در فرایند افراطی‌شدن خشونت‌آمیز ۱۹۸
 ۲. جایگاه تحریک به تروریسم در عوامل مؤثر در افراطی‌گری خشونت‌آمیز ۲۰۰

بند دوم: مبارزه با افراطی‌گری خشونت‌آمیز و تأثیر آن بر آزادی‌ بیان	۲۰۱
الف) اقدامات کیفری و محدودکننده دولت‌ها	۲۰۲
ب) اقدامات پیش‌گیرانه: مبارزه با روایات تروریستی و عوامل مؤثر بر افراطی‌گری خشونت‌آمیز	۲۰۶

فصل پنجم: آزادی بیان و ممنوعیت تحریک به تنفر	۲۰۹
گفتار اول: موازین بین‌المللی ناظر بر ممنوعیت تحریک به تنفر	۲۱۱
بند اول: منع تحریک به تنفر در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی	۲۱۲
الف) فرایند تصویب ماده ۲۰ و حق شرط دولت‌ها	۲۱۲
ب) ارتباط میان ماده ۱۹ و ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی	۲۱۶
بند دوم: منع تحریک به تنفر در موازین منطقه‌ای	۲۱۷
الف) موازین آمریکایی	۲۱۷
ب) موازین اروپایی منع تحریک به تنفر	۲۱۸
گفتار دوم: شرایط تحقق تحریک به تنفر	۲۲۰
بند اول: عناصر تحریک به تنفر	۲۲۰
الف) عنصر معنوی: قصد	۲۲۱
ب) عنصر مادی	۲۲۴
۱. عمومی بودن	۲۲۴
۲. رسیدن هواداری از تنفر به حد تحریک به تبعیض، خصومت و خشونت	۲۲۶
بند دوم: معیارهای اثبات عناصر تحریک به تنفر	۲۲۸
الف) بستر بیان	۲۲۸
ب) گوینده بیان	۲۳۱
پ) محتوای بیان	۲۳۳
ت) رابطه سببیت (احتمال وقوع نتیجه، خطر قریب‌الوقوع)	۲۳۵
گفتار سوم: چالش تحدید بیان‌های تنفرآمیز؛ آزادی بیان و مسئله برابری	۲۳۶
بند اول: دیدگاه لیبرال؛ نظریه پردازان آزادی‌های مدنی	۲۳۷
بند دوم: دیدگاه برابری طلب؛ نظریه پردازان حقوق مدنی	۲۴۱
بند سوم: دیدگاه‌های میانه	۲۴۴
الف) دیدگاه تلفیقی	۲۴۴
ب) مشارکت؛ فصل مشترک آزادی و برابری	۲۴۶

نتیجه ۲۴۹

فهرست منابع ۲۵۷

www.ketab.ir

امروزه، آزادی بیان، بویژه در بعد سیاسی‌اش، از حمایت‌های قوی در سطح بین‌المللی برخوردار شده است. حق بیان آزاد که در معنای عام خود مورد حمایت نظام بین‌المللی حقوق بشر است در زمره حق‌های کلیدی و توانمندساز محسوب می‌شود که تحقق بسیاری از حقوق و آزادیها به آن وابسته است.

آثار و فواید فردی و اجتماعی متعدد این حق موجب شده است که در سطوح ملی نیز حمایت‌های قوی از این حق به عمل آید. به گونه‌ای که در حال حاضر، همه کشورها برخورداری از آزادی بیان را در زمره حقوق اساسی می‌دانند و حسب سطح توسعه حقوقی خود، با سازوکارهای ناظر بر صیانت از حقوق اساسی، به تضمین این آزادی پرداخته‌اند.

آزادی بیان همانند سایر حقوق، محدود به حدود خاصی است. یکی از این حدود که در سالهای اخیر مورد توجه قرار گرفته، ممنوعیت بیانهای تحریک کننده به جرم است. در سطح بین‌المللی، قواعد ناظر بر ممنوعیت این بیانها ذیل عنوان «جرایم تحریک»^۱ صورت بندی شده است. این بیانها با توجه به سیر تاریخی واکنش به آنها عبارتند از: بیانهای تحریک کننده به نسل کشی، بیانهای تحریک کننده به تبعیض نژادی، بیانهای تحریک کننده به تنفرهای قومی، نژادی و مذهبی و بیانهای تحریک کننده به تروریسم.

پس از جنگ جهانی دوم و در مقام ارزیابی دلایل بروز این جنگ، کنترل وسایل ارتباطی توسط حزب نازی و استفاده از آنها به عنوان دستگاه تبلیغاتی، یکی از عوامل

تسهیل کننده جنگ و کشتار در طول جهانی دوم شناخته شد. به همین دلیل، بلافاصله پس از جنگ، آزادی بیان و نیز جریان آزاد اطلاعات مورد توجه مجمع عمومی سازمان ملل واقع شد. در این زمان که تحت تأثیر فضای محاکمات سران نازی در دادگاه نورنبرگ قرار داشت، تدوین کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل کشی نیز در دستور کار مجمع عمومی قرار گرفت و تحریک به نسل کشی به عنوان عملی که زمینه ساز نسل کشی است ممنوع گردید.

ماده ۳ کنوانسیون بین‌المللی پیشگیری و مجازات جرم نسل کشی (ژنوسید) ۱۹۴۸ مقرر داشت: «اعمال زیر مجازات خواهد: ۱. ... ۳. تحریک مستقیم و علنی برای ارتکاب نسل کشی».

پس از تحریک به نسل کشی، تحریک به تبعیض نژادی و تبلیغ برتری نژادی مورد توجه قرار گرفت. با تصویب کنوانسیون بین‌المللی رفع هر گونه تبعیض نژادی ۱۹۶۵ شرایط تحدید آزادی بیان به استناد تحریک به تبعیض نژادی یا تبلیغ برتری نژادی مشخص شد. اکنون ماده ۴ کنوانسیون مذکور در خصوص ممنوعیت تبلیغ و تحریک به تبعیض نژادی می‌گوید:

«دولت‌های متعاهد هر نوع تبلیغات و تشکیلاتی را که از افکار و نظریه‌های مبتنی بر برتری یک نژاد و یا گروهی از اشخاصی که رنگ و یا خاستگاه قومی معین دارند الهام بگیرد و یا هر نوع تنفر و تبعیض نژادی را توصیه کند، ترویج می‌نمایند و متعهد می‌شوند که به منظور ریشه‌کن ساختن این چنین تحریکات یا تبعیضات و به طور کلی برای محو هر قسم تبعیض نژادی سریعاً تدابیر لازم را اتخاذ نمایند، و در این راه اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز حقوقی را که در ماده ۵ این کنوانسیون تصریح گردیده است مورد توجه قرار دهند.

دولت‌های متعاهد مخصوصاً متعهد می‌شوند که:

الف) نشر هر نوع افکار مبتنی بر تفوق یا نفرت نژادی و تحریک به تبعیض نژادی و همچنین اعمال زور یا تحریک به زور علیه هر نژاد و یا هر گروه که از حیث رنگ و قومیت متفاوت باشند و نیز بذل هر نوع مساعدت از جمله کمک مالی متفاوت به فعالیت‌های تبعیضی نژادی را قانوناً از جرایم قابل مجازات اعلام نمایند.

ب) سازمانها و فعالیت‌های تبلیغاتی متشکل و هر قسم فعالیت تبلیغاتی دیگر را که محرک تبلیغات نژادی بوده و یا آن را تشویق نماید و عضویت در این چنین سازمانها را قانوناً از جرایم قابل مجازات اعلام نمایند.

ج) به مقامات مسؤول یا مؤسسات عمومی از مملکتی و یا محلی اجازه ندهند تبعیضات نژادی را ترغیب یا تشویق نمایند^۱.

سپس، ممنوعیت بیان‌های تنفرآمیز در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ مورد توجه قرار گرفت. در معنای عام، بیان تنفرآمیز وجه مشترک و حداقل سطح لازم برای تحقق انواع بیان‌های مخالف با حرمت و اعتبار افراد یا گروه‌ها است. در این معنا، به بیان‌هایی گفته می‌شود که با هدف تحقیر، تمسخر، اهانت، گریزان کردن اعضای جامعه از یک فرد یا گروه، ایجاد کینه و نفرت از یک فرد یا گروه و طرد کردن یک فرد یا گروه از جامعه صورت می‌گیرند یا در عمل به این نتایج منجر می‌شوند. بنابراین، بیان تنفرآمیز در مجموعه بیان‌هایی است که ذیل عنوان هتک حرمت قرار می‌گیرند. اما اگر به بیان‌های مذکور عناصر دیگری اضافه شود از جمله مخاطب (قرار دادن گروه‌ها) و بیان از صرف تنفرآمیز بودن فراتر رود (به اقدامات خاص تحریک کند) در این صورت، ذیل عنوان خاص بیان‌های تنفرآمیز قرار می‌گیرد. اکنون هر جا سخن از بیان‌های تنفرآمیز است همین معنای خاص مورد نظر است.

مهمترین مبنای ممنوعیت بیان‌های تنفرآمیز بند ۲ ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است که مقرر می‌دارد:

«هر گونه هواداری از تنفرهای ملی یا نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض یا خصومت یا اعمال خشونت باشد باید به موجب قانون ممنوع شود».

به طوری که ملاحظه می‌شود این ماده، ممنوعیت همه بیان‌های تنفرآمیز را از دولت‌ها نمی‌خواهد بلکه تنها از آنها می‌خواهد که بیان تنفرهای تحریک‌کننده به تبعیض یا خصومت یا خشونت را منع کنند.

- سرانجام آنکه، تحریک به تروریسم، مورد توجه نهادهای بین‌المللی قرار گرفت. برای نخستین بار مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه ۵۱/۲۱۰ خود مصوب ۱۷ دسامبر ۱۹۹۶ اعلام کرد که: «تأمین مالی، برنامه‌ریزی و تحریک به اعمال تروریستی مغایر با اصول و اهداف سازمان ملل متحد است» و تصریح نمود که: «دولت‌های عضو بایستی برای محاکمه اشخاصی که در اعمال تروریستی نظیر تأمین مالی، برنامه‌ریزی یا تحریک بدان مشارکت داشته‌اند،

۱. علاوه بر کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض نژادی، ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز تصریح می‌کند که «... همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که نافذ اعلامیه حاضر باشد و در برابر هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید به طور تساوی از حمایت قانون بهره‌مند شوند».

همکاری مؤثری داشته باشند.^۱ شورای امنیت نیز به عنوان مسئول اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در قطعنامه ۱۳۷۳ مجدداً بر این مطلب صحه گذاشت که تأمین مالی، برنامه‌ریزی و تحریک به اعمال تروریستی مغایر با اصول و اهداف سازمان ملل متحد است، اما هیچ‌گونه مبنای حقوقی را برای ممنوعیت تحریک به تروریسم یا تأمین مالی و برنامه‌ریزی آن پی‌ریزی نکرد؛^۲ از این رو، در سپتامبر ۲۰۰۵ و در پی حملات تروریستی به متروی لندن، شورای امنیت قطعنامه ۱۶۲۴ را تصویب نمود و در آن از دولت‌های عضو دعوت کرد تا قوانینی را مطابق با تعهداتشان بر اساس حقوق بین‌الملل و در راستای ممنوعیت تحریک به عمل یا اعمال تروریستی وضع کنند.^۳ دبیرکل سازمان ملل متحد نیز در گزارشی تحت عنوان «اتحاد علیه تروریسم: توصیه‌هایی برای استراتژی جهانی مبارزه با تروریسم»^۴ تصدیق کرد که قطعنامه ۱۶۲۴ مبنایی حقوقی برای جرم‌انگاری تحریک به تروریسم محسوب می‌شود اما تعهد حقوقی ایجاد نمی‌کند.^۵

در سطح منطقه‌ای می‌توان از کنوانسیون اروپایی پیشگیری از تروریسم (۲۰۰۵)^۶ نام برد که از دولت‌های عضو می‌خواهد تا تدابیر لازم را در مورد تحریک‌های عمومی که به صورت عامدانه و غیرقانونی منجر به جرایم تروریستی می‌شوند، اتخاذ کنند و این نوع تحریک‌ها را به موجب حقوق داخلی خود جرم‌انگاری کنند.^۷ در عین حال، ماده ۱۲ با عنوان شرایط و تأمینات مقرر می‌دارد هر دولت عضو باید تضمین کند که وضع، اجراء و اعمال جرم‌انگاری طبق مواد ۵ تا ۷ و ۹ کنوانسیون بایستی با عنایت به تعهدات حقوق بشری به ویژه حق آزادی بیان، آزادی اجتماعات و آزادی مذهب صورت گیرد.^۸

1. De Brabandere, Eric, **The Regulation of Incitement to Terrorism in International Law**, In: Hennebel, L. & Tigroudja, H. (Eds.), **Balancing Liberty and Security: The Human Rights Pendulum**, Nijmegen: Wolf Legal Publishers, pp. 221-240, at: <http://ssrn.com/abstract=1992987> (last accessed: 26. April. 2014)

2. *Ibid.*, p. 227.

3. *Ibid.*

4. **Uniting against terrorism: Recommendations for a global counter-terrorism strategy**

5. De Brabandere, Eric, **Op.cit.**, p.228.

6. **Convention on the Prevention of Terrorism**

7. **European Convention Art 5(2)**

8. EU council decision 2008/919/JHA of 28 November 2008, amending Framework Decision 2002/475/JHA on combating terrorism (9 December 2008) OJL 330/21, Article 3(2) of the 2002 Framework Decision as amended. The Framework Decision is binding on all EU member states, and only on them.

علاوه بر این، می‌توان از پروتکل کنوانسیون جرایم سایبری (موسوم به کنوانسیون بوداپست مصوب ۲۰۰۱) راجع به اعمال نژادپرستانه و بیگانه ستیزانه با استفاده از سیستم‌های رایانه‌ای^۱ (مصوب ۲۰۰۳) نام برد که تحریک علیه بیگانگان و گروههای نژادی را منع می‌کند.

بر اساس ممنوعیت‌های مقرر در این معاهدات و دیگر منابع حقوق بین‌الملل، تاکنون پرونده‌های مختلفی با عنوان جرم تحریک در مراجع بین‌المللی مورد رسیدگی قرار گرفته، تعارض‌های آزادی بیان با این جرم انگاری‌ها، شناسایی و تدابیر و راهکارهای قابل توجهی نیز برای ایجاد تعادل و توازن بین منافع آزادی بیان و منافع این جرم انگاری‌ها ارائه شده است.

در واقع، تحریک به جرم به این دلیل جرم انگاری شده‌است که زمینه و فضای مستعد برای ارتکاب جرم را فراهم می‌کند. تجربیات تاریخی گوناگون از جنایت‌های جنگ‌های جهانی گرفته تا جنایت‌های معاصری مانند نسل‌کشی در بوسنی و رواندا، نشان‌دهنده نقش و اهمیت کلیدی تحریک در وقوع برخی جرایم است به نحوی که اگر تحریک به جرم وجود نداشت چه بسا، اصل وقوع آنها متفی می‌شد یا گستره و شدت کمتری داشتند. در همه جرایم مذکور، جانین تلاش کرده‌اند تا مدت‌ها پیش از آغاز رفتارهای جنایتکارانه خود، با استفاده از انواع وسایل ارتباطی و روش‌ها و تکنیک‌های اقناع و تلقین، بستر مناسب را برای این جرایم را فراهم کنند و ارتکاب جرم علیه گروه هدف را تسهیل و چه بسا، ضروری جلوه دهند.

در روزگار معاصر نیز تحریک به تروریسم به ویژه بر اساس اندیشه‌های افراطی، به جان و مال بسیاری از انسان‌های بی‌گناه بویژه در برخی کشورهای اسلامی لطمه زده و امنیت مردمان و دولت‌ها را در معرض تهدید جدی قرار داده است.

نکته این‌جاست که تحریک در قالب بیان مطالب محقق می‌شود، برخلاف جرایمی مانند قتل یا سرقت، معیارهای نوعی و مورد وفاقی برای احراز تحقق آن وجود ندارد. به همین دلیل، علارغم تصریح به ممنوعیت آنها در حقوق بین‌الملل، تشخیص مصادیق بیان‌های تحریک‌آمیز از غیر آن، بسیار دشوار است و ممکن است دولت‌ها هنگام جرم‌انگاری تحریک به جرم، صلاحدید گسترده‌ای برای خود قائل شوند و آزادی بیان را بیش از حد

1. Additional Protocol to the Convention on Cybercrime, concerning the criminalisation of acts of a racist and xenophobic nature committed through computer systems, Strasbourg, 28/01/2003.

ضرورت، ممنوع و محدود کنند. حتی ممکن است از این فرصت به عنوان بهانه‌ای برای سرکوب بیان دیدگاه‌های مشروع اما مخالف دولت، استفاده کنند.

از این رو، تحدید گسترده‌ی بیان برای پیشگیری از تحریک به جرم، نگرانی‌های جدی در زمینه سانسور و محدود کردن آزادی بیان ایجاد کرده است. در این میان، مراجع بین‌المللی اعم از دیوان‌های بین‌المللی کیفری موردی و مراجع حقوق بشری مانند کمیته حقوق بشر و دیوان اروپایی حقوق بشر تلاش کرده‌اند با تعیین حدود و ثغور جرایم تحریک، اعمال موازن بین‌المللی ناظر بر این جرایم از سوی دولت‌ها را کنترل و تنظیم کنند.

هدف این کتاب آن است که با توجه به موازن بین‌المللی حمایت از آزادی بیان، مفهوم و قلمرو جرایم تحریک در حقوق بین‌الملل را مطالعه و تحلیل کند. بر این اساس، به این پرسش‌ها پاسخ داده شده است که نسبت میان آزادی بیان به عنوان یکی از مهم‌ترین حق‌های بشری و تحریک به جرم به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در بسترسازی برای نقض امنیت و حقوق دیگران چیست؟ چه ملاحظات حقوق بشری باید هنگام منع و مجازات جرایم تحریک باید در نظر گرفته شود؟ برای پیشگیری از تحریک به جرم، تا چه میزان می‌توان آزادی بیان را ممنوع یا محدود کرد و رویه مراجع بین‌المللی در این باره چیست؟ چه میزان تحریک برای تحقق هر یک از جرایم تحریک لازم است؟ تحریک باید مستقیم باشد یا تحریک غیرمستقیم نیز جرم است؟ آیا تحریک باید به نتیجه مجرمانه ختم شده باشد تا قابل تعقیب باشد یا صرف نظر از نتیجه، جرم مستقیم است؟ آیا مراجع مختلف کیفری و حقوق بشری، رویه یکسانی در مورد انواع جرایم تحریک اتخاذ کرده‌اند؟ این پرسش‌ها و پرسش‌های متعدد دیگری در این خصوص مطرح هستند که اختلاف نظر در پاسخ به آنها، قلمرو آزادی بیان را در بویژه در رسانه‌های بین‌المللی از جمله پخش‌های ماهواره‌ای و اینترنت با چالش مهم مواجه کرده است.

در پاسخ به پرسش‌ها نیز نخست قواعد بین‌المللی تحریک به نسل‌کشی، تحریک به تبعیض نژادی، تحریک به تروریسم و تحریک به تنفرهای ملی، نژادی و مذهبی تبیین و تحلیل شده‌اند و سپس، رویه‌های بین‌المللی مرتبط بویژه رویه دیوان بین‌المللی کیفری برای رواندا در مورد تحریک به نسل‌کشی، رویه کمیته منع تبعیض برای تحریک به تبعیض نژادی، رویه دیوان اروپایی حقوق بشر و کمیته حقوق بشر برای ممنوعیت تحریک به تروریسم و تحریک به تنفرهای ملی، نژادی و مذهبی مورد مطالعه موردی واقع شده‌اند.

در مورد تحریک به نسل‌کشی مشخصاً به این پرسش‌ها پاسخ داده شده است که تفاوت کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل‌کشی که تحریک را به عنوان عمل قابل مجازات معرفی

کرده و اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری که تحریک به نسل‌کشی را یکی از اشکال مسئولیت کیفری فردی معرفی کرده‌است، چیست و چه آثاری بر آن مترتب‌است؟ هم‌چنین با توجه به نقش مهمی که تحریک در نسل‌کشی‌های یهودیان در آلمان نازی و توتسی‌ها در رواندا داشته‌است، رسانه‌ها به عنوان ابزار مهم اعمال آزادی بیان چه عملکردی پیش از شروع نسل‌کشی و در طول آن داشته‌است؟

در خصوص تحریک به تبعیض نژادی برای آن‌که حدود جرم تحریک به درستی تبیین شود به این پرسش‌ها تمرکز شده است که نژاد چیست و این مفهوم در طول سالیان، چه تحولاتی داشته‌است؟ هم‌چنین با توجه به اینکه در کنوانسیون منع کلیه اشکال تبعیض نژادی، اشاعه بیان‌های نژادپرستانه نیز در کنار تحریک به تبعیض نژادی ممنوع شده‌است، چه تفاوتی میان تحریک و اشاعه وجود دارد و جرم‌انگاری نفس اشاعه چه چالش‌هایی را در مورد آزادی بیان ایجاد می‌کند؟ سرانجام به این پرسش پرداخته شده‌است که در سال‌های اخیر که تروریسم بر مبنای ایده‌های افراطی و بنیادگرایانه صورت می‌گیرد، جایگاه تحریک به تروریسم در فرایند افراطی‌شدن چیست و دولت‌ها چه اقداماتی را می‌توانند برای پیشگیری از گسترش این ایده‌ها انجام دهند؟

هم‌چنین توسعه فناوری و اینترنت چه تأثیری بر گسترش بیان‌های تفرآمیز داشته‌است و واکنش دولت‌ها به این امر چه بوده‌است؟

با توجه به اینکه مطالعه تأثیر در مورد بیان‌های تفرآمیز نیز با توجه به اینکه این بیان‌ها تعارض جدی با اصل برابری و منع تبعیض دارند، به این پرسش پاسخ پرداخته شده‌است که با چه راهکاری می‌توان میان آزادی بیان، ممنوعیت بیان‌های تفرآمیز و اصل برابری آشتی ایجاد کرد؟ هم‌چنین توسعه فناوری و اینترنت چه تأثیری بر گسترش بیان‌های تفرآمیز داشته‌است و واکنش دولت‌ها به این امر چه بوده‌است؟

با توجه به اینکه مطالعه تأثیر این جرایم بر آزادی بیان از اهداف اصلی این کتاب است پیش از ورود به بحث اصلی، نخست چرایی و چگونگی حمایت از آزادی بیان در حقوق بین‌الملل توضیح داده شده است تا خواننده، نخست با چارچوب و اصول کلی آزادی بیان آشنا شود. در این میان، به دلیل اینکه این‌که تحریک به جرم یکی از اشکال تحدید آزادی بیان است و تحدید برای اینکه از نظر موازین بین‌المللی مشروع باشد باید بر اساس اصول و ضوابط خاصی صورت گیرد چگونگی رعایت معیارهایی مانند قانونی بودن، داشتن هدف مشروع، اصل ضرورت و تناسب در فصل نخست کتاب، مطالعه شده‌است. رعایت این شرایط در مورد همه جرایم تحریک لازم است و به همین دلیل، با بیان آنها در فصل نخست، از تکرار طرح آنها در فصل‌های دیگر خودداری شده‌است.